

### جایگاه ضرب‌المثل‌ها در گویش نهاوندی (۱۴)

از : کرم‌خدا امینیان

۳۵۱- مالِ تَخَوْرِمِ نَصِيوِ بَخَوْرِمَه! مال و دارایی شخصِ نخور، نصیبِ شخصِ بخور می‌شود! کسی که مال جمع می‌کند و حتی مصرف‌اندک‌ش را از خود مضایقه می‌کند، سرانجام می‌میرد و آن مال و دارایی به دست کسی می‌افتد که بی‌پروا آن را خرج می‌کند. زیرا زحمت کسب آن مال را نکشیده‌است، که گفته‌اند: هرچه را باد آورد بادش برَد!

۳۵۲- ماهینه نِمَخای ، دُمِشَه پِنِر. اگر ماهی را نمی‌خواهی شکار کنی ، دُمش را بگیر! لغزندگی دم ماهی مانع از گرفتنش می‌شود. بنابراین صید ماهی از این طریق بی‌نتیجه است .

به نظر می‌رسد پیام ضرب‌المثل این باشد که اگر مخالف انجام‌دادن کاری هستی ، (به دلیل معقولانه نبودن آن کار و یا مشکوک بودن شخص پیشنهاد دهنده) به جای مخالفت صریح - که ممکن است تبعات منفی داشته باشد - با همکاری حاشیه‌ای و با تظاهر به انجام آن، کار را فیصله بده و موضوع را منتفی کن.

۳۵۳ - مُخَا دُومَا دُومَا بَكْتَم طَوِّلَه! می خواهد مرا عقب عقب به طویله بفرستد!

این ضرب‌المثل در مذمت از کسانی است که دیگران را با افسون و مکر و تحقیر به بیگاری می کشند و می خواهند ارباب آن‌ها باشند!  
ترکیب «دُوما دُوما» در این مثل می‌رساند که شخص رند و فریبکار برای طرف خود حتی ارزش حیوانی را هم قائل نیست. چون حیوان را از روبه‌رو به طویله می‌فرستند، نه عقب‌عقب!

۳۵۴ - مُخَوْرِي أَوْرِ چَرِيش! می خوری از طرف چرپ آن!

این ضرب‌المثل نوعی تحذیر و هشدار است به کسی که می‌خواهد به کاری زیانمند دست بزند و پند و نصیحت دیگران را هم قبول نمی‌کند. ضمناً با توجه به تعبیر «خوردن از طرف چریش» اندکی هم رنگ تمسخر و تحقیر دارد.  
قابل ذکر است که «پ» در کلمه «چرپ» فارسی در گویش نهاوندی تبدیل به «ب» می‌شود و آن را «چرب» تلفظ می‌کنند.

۳۵۵ - مَرْدِ اَوَّه، زَ وَرِيوَنَه: مرد مانند آب است و زن مثل سدّ و آب‌بند است.

گشاده دستی و سخاوتمندی از خصلت‌های مثبت و ارزشمند مردان است. به این اعتبار که در قدیم کار و تولید و درآمد معمولاً در دست آنان بود. از سوی دیگر نظارت حسابگرانه و جلوگیری از اسراف و ولخرجی و بذل و بخشش‌های بی‌حساب مردان از خصلت‌های با ارزش زنان است.

این ضرب‌المثل حکیمانه تعدیل و نظارت منطقی و معقول در هزینه کردن‌ها را که معمولاً توسط زنان انجام می‌گرفته و با آینده‌نگری موجب دوام و بقای خانواده می‌شده

است، بیان می‌کند ضمن این که نشان می‌دهد که این دو مکمل یکدیگرند. قرآن می‌فرماید: انتم لباس لَهْن و هُنَّ لباس لکم. سعدی گوید:

زن خوب و فرمانبر و پارسا      کند مرد درویش را پادشا

۳۵۶- مرد مسافر و زن اشکم پُرِ په جُورَن! مرد مسافر (از این جهت که نمی‌دانیم کی می‌آید) مثل زن پا به ماه است!

پرخطر بودن مسافرت در قدیم و نبود امکانات اطلاع‌رسانی موجب می‌شد که مردم ندانند مسافرشان دقیقاً کی می‌آید. آن‌ها با گفتن ضرب‌المثل یادشده، این بی‌خبری را با زمان به دنیا آمدن نوزاد تشبیه می‌کردند و عکس آن هم لازم الصدق است.

۳۵۷- مَمُونَه‌ی بُرْدِن حَموم داغ، بچَش فا زیر پاش! میمون را به حمام داغ بردند (برای آن که پایش نسوزد) بچه‌ی خود را زیر پایش گذاشت!

این ضرب‌المثل در تقبیح از کسانی است که برای حفظ منافع خود نزدیک‌ترین کسان خود را قربانی می‌کنند. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۳۵۸- مَه رَمیم و تو میا، تو ریشخیت و مه میا! من در حق تو دل‌سوزی می‌کنم (، اما در عوض) تو مرا مسخره می‌کنی! (بی‌انصافی تا کجا؟)

نظیر این جمله‌ی فارسی: «آیا سزای خوبی بدی است؟» قرآن نیز می‌فرماید: هل جزاء الإحسان إلا الإحسان؟

۳۵۹- مه مویم نَرِه ، تو مبی پایش؟! من می گویم این حیوان، نراست ، تو می گویی شیرش را بدوش؟!

اصل این ضرب‌المثل در زبان فارسی است و زمانی به کار می‌رود که بین دو طرف تفاهم و همدلی و هم‌فکری نباشد و آنان در جهت عکس یک‌دیگر عمل کنند.

۳۶۰- میراث گرگ و سب و شغال! میراث گرگ به شغال رسید!

وقتی فردی بدجنس و طمعکار از دنیا می‌رفت و میراث او به فردی بدتر از خودش می‌رسید، دیگران بین خود این ضرب‌المثل را به کار می‌بردند. شاید این مثل کنایه از این باشد که هرچه آن مرحوم بی‌رحم و تیز دندان بود، جانشین او نادان و بی‌تمیز است.

۳۶۱- مَیر چخماق - پیفیه! مگر چخماق و پیفه است!

این ضرب‌المثل در تقیح شتابزدگی است. «چخماق» به سنگ آتش‌زنه می‌گویند و «پیفه» ماده‌ای نرم و قابل اشتعال مثل پنبه یا مغز چوب است که سابقاً از آن به صورت «آتش‌گیره» استفاده می‌کردند و چون به کمک این دو (چخماق و پیفه) آتش زود تهیه می‌شد، برای زود نتیجه‌دادن مثل شده است و معمولاً کسی آن را به کار می‌برد که در فشار قرار می‌گرفت و می‌بایست کاری را فوری انجام دهد.

۳۶۲- مَیر چسینه بسن سَرم؟! مگر به سرم سوسک بسته‌اند!

اگر به کسی کاری پیشنهاد می‌کردند و او نمی‌خواست انجامش دهد، با به کار بردن این ضرب‌المثل مخالفت خود را اعلام می‌کرد.

ظاهراً یکی از راه‌های شکنجه دادن و اقرار گرفتن در قدیم چنین بوده است که سرِ متهم را با تیغ می‌تراشیده و چند سوسک با دستمال به سر او می‌بسته‌اند. حرکت مداوم سوسک‌ها روی سرِ متهم، درحالی که دست‌هایش هم بسته بود، او را در یک بحران عصبی و روحی قرار می‌داد و مجبور به اقرار می‌شد.

قول دیگر این است که لاشه‌ی سوسک‌ها را برای درمان بیماری‌های مغز بر سر بیمار می‌بستند. در این صورت پیام ضرب‌المثل دفاع از سلامت جسم و روح گوینده‌ی آن است.

۳۶۳- مَیْر خِر خَالَمَه دَز بُودِه؟! (به من چه؟) مگر خر خاله‌ام را دزد برده است؟!

من چرا نگران باشم؟ این عبارت حاکی از خودخواهی و خودسلامتی گوینده‌ی آن است. به طوری که حاضر نیست به عنوان یک وظیفه‌ی انسانی در غم و اندوه دیگران شرکت کنند. شعر حکیمانه‌ی سعدی پاسخ به چنین افرادی است:

تو کز محنت دیگران بی‌غمی      نشاید که نامت نهند آدمی

۳۶۴- مَیْر خَم رَنگَرِیَه؟! مگر خمره‌ی رنگریزی است؟! (چرا این قدر شتاب داری؟)

این ضرب‌المثل نیز در تفسیر شتاب‌زدگی و عجله است. سابقاً رنگرها در محل کار خود (صباغ‌خانه) جامه یا پارچه را در خُم رنگ مورد نظر فرو می‌بردند و مقصود به همین سرعت حاصل می‌شد. این محل به خمره‌های رنگ مایع، که عمدتاً با رنگ‌های گیاهی تهیه می‌شد، مجهز بود.

۳۶۵- مَیَرِ گُرفَتِیت سه روز پنج مه؟! مگر تو را به سه روز پنج من اجیر کرده‌اند!؟

این ضرب‌المثل در ذمّ اجحاف و به بیگاری کشیدن است. ظاهراً در گذشته زمین‌دارانی به کارگران جزء در ازای سه روز کارسخت مثل کوبیدن گندم، فقط پنج من غله می‌داده‌اند! از این رو مردم خطاب به کسی که کار پرزحمت و کم فایده می‌کرد، این ضرب‌المثل را یادآور می‌شدند.

۳۶۶- مِیمو رِزقِش جلو جلو میا. روزی میهمان پیشاپیش می‌رسد.

عبارتی حاکی از توکل این مردم به خداوند و داشتن روحیه‌ی میهمان‌نوازی است. شاعر فارسی زبان هم گفته است:

غم روزی مخور بر هم مزن اوراق دفتر را

که پیش از طفل ایزد پر کند پستان مادر را

و شاعر دیگری در وصف مهمان گوید:

از فروغ روی مهمان شد منور خانه‌ام خانه‌ام فانوس و مهمان شمع و من پروانه‌ام

۳۶۷- مِیموَنَه که نِمخای او بَوَن زبَرش! مهمان را که نمی‌خواهی محل پذیرایی وی را به

آب بیند!

توصیه‌ای است به میزبان - هرچند با روحیه‌ی مهمان‌نوازی این مردم سازگار نیست -

که اگر مایل نیستی مهمان را بپذیری به نحوی او را دست به سر کن!

به نظر می‌رسد منشأ این ضرب‌المثل وجود باغات فراوان نهاوند و میزبانی باغداران

در درون باغ‌ها بوده که رواج داشته است و احتمالاً کسانی به بهانه‌ی مهمانی موجب

مزاحمت برای صاحب باغ می‌شده‌اند. به هر حال ، اگر مهمان زیرک و قیافه‌شناس باشد از طرز نگاه و برخورد میزبان درک می‌کند که باید بماند یا برود. و شاعر تویسرکانی بی سبب نفرموده است:

میهمان راحت‌جان است ولی همچو نَفَس خفه می‌سازد اگر آید و بیرون نرود

۳۶۸- نَخُورده یخنیته : هر چه مصرف نشده است برای روز احتیاج باقی می‌ماند.

«یخنی» در گویش نهاوندی به معنی میوه‌ی کال و نارس است. ولی در زبان فارسی به معنی گوشت پخته و نیز به معنی چیزی است که برای روز حاجت آن را ذخیره کنند. چنان که نظامی گفته است :

مخور غم ز صیدی که ناکرده‌ای که یخنی بُود هر چه ناخورده‌ای

بنابراین پیام این ضرب‌المثل فارسی که در گویش محلی نهاوندی نیز راه یافته ذخیره‌سازی از طریق صرفه‌جویی معقول است.

۳۶۹- نَمَازِش رَنگ آفَتِو نِیْمِنَه مَیَرِ صُو زِی! نمازش رنگ آفتاب را نمی‌بیند مگر صبح زود!  
(یعنی تمام هفده رکعت نمازش قضا می‌شود!)

این کلام نوعی سرزنش است برای کسانی که در ادای نماز کاهلی می‌کنند ، یا در انجام هر مهمی اهمال می‌نمایند.

۳۷۰- **ننِ چوپوئنه خورده!** نان چوپان را خورده است!

گاهی اتفاق می‌افتد که بزی دور از چشم چوپان، نان او را می‌خورد و بدین‌سان دشمنی چوپان را علیه خود بر می‌انگیزد و موجب می‌شود که چوپان در هر فرصتی به او ضرب‌شست برساند!

در جامعه هم گاهی فرد بی‌ملاحظه و نادانی به حریم منافع دیگری که توانا تر از خود اوست تجاوز می‌کند و خود را در معرض دشمنی او قرار می‌دهد. در چنین وقتی افراد ظریف و شوخ طبع می‌گویند: فلانی نان چوپان را خورده است! یعنی باید منتظر تلافی و انتقام باشد.

۳۷۱- **نوش و نیمدارِ مردمِ حسرتِ مَنخوره!** لباس نو او (آن‌چنان بی‌قواره است که) به لباس

کهنه‌ی دیگران حسرت می‌خورد!

این ضرب‌المثل را درباره‌ی کسی به کار می‌برند که به رغم مطلوب بودن ظواهر زندگی‌اش با مشکلات جدی درونی درگیر باشد. و با وجود تمکن مالی، به رفاه خیال و آرامش زندگی فرو دست‌تر از خود حسرت بخورد.

۳۷۲- **نوکرِ بی‌جیره ماجو، تاج‌سو آریابشه!** نوکری که بدون جیره و مواجب خدمت

می‌کند، تاج‌سوار، ناب‌خودش است!

تسبیح: شاردِ بی‌جیره ماجو تاج‌سو اوساشه: شاگرد بدون جیره و مواجب تاج‌سر استادش است!

در قدیم بعضی از اربابان یا استادکاران به نوکر و شاگرد تازه وارد خود مدت‌ها حقوق نمی‌دادند، به این بهانه که باید با محیط آشنا شوند و کار یاد بگیرند. حال اگر



آنان در خلال این بیگاری‌ها ایراد و بهانه‌ای از ارباب و استاد خود می‌شنیدند برایشان پذیرفتنی نبود و خود یا والدینشان با این ضرب‌المثل به آنان پاسخ می‌دادند و از خود دفاع می‌کردند.

۳۷۳- نه برف و آسمو مموته ، نه حساو و دفتر ! نه برف در آسمان باقی خواهد ماند و نه حساب در دفتر !

هر چیزی در عالم آفرینش قرار و قاعده دارد و مسیر خود را در محل و موقع مقتضی طی می‌کند. پیام این ضرب‌المثل دعوت از مخاطب به صبر و شکیبایی است و تأکید به این که حق به حق‌دار می‌رسد.

۳۷۴- نه خر مُرده ، نه خی دِرسته ! نه خر مرده و نه خیک پاره شده !

مردن خر خصوصاً اگر تنها وسیله‌ی حمل و نقل کسی باشد و از بین رفتن بارِ آن خر، که تنها کالای آماده‌ی فروش اوست (پاره شدن خیکِ روغن یا شیره)، برای صاحبش بسیار تلخ و زیانمند است. این ضرب‌المثل را در مقام دل‌داری به کسی می‌گفتند که چیز بی‌اهمیتی را از دست داده یا اتفاقی که برایش افتاده جزئی و کم‌اهمیت است. مثلاً به جوانی که نامزدی خود را به هم‌زده بود به نشانه‌ی دل‌داری گفته می‌شد.

این ضرب‌المثل در اصل فارسی است. هم‌چنان که حکیم نظامی گنجوی در داستان لیلی و مجنون در شرح آغاز عشق مجنون (قیس) آورده است:

چون شیفته گشت «قیس» را کار  
 در چنبر عشق شد گرفتار  
 یک‌باره دلش ز پا در افتاد  
 «هم خیک درید و هم خر افتاد»  
 وانان که نیوفتاده بودند  
 مجنون لقبش نهاده بودند

۳۷۵- نئی اسام سی بچونیم ، مَنِّشَه نام سر مینمونیم ! (دراصل) نانی برای بچه‌هایم (از همسایه قرض) گرفتم اما منتش را بر سر مهمان گذاشتم!

این ضرب‌المثل در روستاهای نه‌اوند رایج بوده و در تقبیح کسانی است که از امکانات و فرصت‌های طبیعی و معقول بهره‌برداری غلط و غیر اخلاقی می‌کنند.

این ضرب‌المثل به صورت «بُنْشَه» به جای «مَنِّشَه» نیز به کار رفته است به این معنی:

نانی برای بچه‌هایم به بهانه‌ی داشتن مهمان ، (از همسایه قرض) گرفتم!

نظیر آن‌چه در فارسی گفته می‌شود: «با سیلی صورتم را سرخ کردم». در این صورت ضرب‌المثل بیانگر عائله‌مند تهی‌دستی است که برای حفظ آبرو و مناعت طبعش به بهانه‌های معقولی متوسل می‌شود تا ناچار به افشای فقر و تنگ‌دستی خود نگردد.

پرتال جامع علوم انسانی  
 \*\*\*